

هفت سال از تاسیس هفته نامه " افق " گذشت!



نوشته ضیا

هفت سال از عمر هفته نامه "افق" گذشت. سال دیگر یا چند سال پس با "افق" یا بی "افق" و اما سالها و قرنهای بعدی که نسل و چندین نسل از ما نباشند، نیز می گذرد. تا آنجا که نه از خانه های گلی و روستایی کشورم افغانستان و نه از آسمان خراشهای نیویارک و پاریس جز چند تا معموره تاریخی به مثابه میراث های فرهنگی آنها موضوع پژوهش باستان شناسان و باز دید سیاحان، چیز دیگر نخواهد ماند. اما؛ این تاریخ و فرهنگ مادی و معنوی آدم هاست که بخشی از آن سینه به سینه تا سرحد اسطوره ها و یا ندرتاً نماد های مادی آن به گونه نقشها و تندیس ها و بیش از همه از وقتی که قلم به دست بشر افتاد، حک کردن آمال و بیان ارزشهای انسانی در دل سنگ، چوب، آهن و بالاخره کاغذ به ماندگاری نشسته و می نشیند. ولی چیزی که نوشته می شود، آینه ایست، از حال تا آینده هایی که نمی توان زمانش را تخمین کرد، به جا خواهد ماند. نسل امروز و فردا همه محاسن و معایب خط نیشته ها را میخوانند، مورد تحسین یا نفرین قرار می دهند. زیرا یادداشت های خطی، غنی ترین و متنوع ترین شگرد ها و ویژه گی های اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و ابعاد گسترده زنده گی انسانهای زمانش را به خوبی بیان می کند.



پایمردی و استقامت هفت ساله هفته نامه "افق" مرهون لطف پروردگار، همکاری نویسنده گان آگاه، حمایت خواننده گان واقع بین و قلم دوستان و فرهنگ دوستان محترمی است که درین آشفته بازار دانش، هنر و فرهنگ مردم ما به ویژه هموطنان ساکن در استرالیا که پیوسته هوش و گوش اکثریت شان در پی پیدا کردن آب و نان، خانه ... و نیز که به نمایش گذاشتن داشته های مادی و در نهایت برتر انگاریهای قومی و زبانی میان تهی و فراتر از آن شوق کردنیهای بی سر و پای حزبی و گروهی می باشد، به اثبات رسیده است. یعنی هفته نامه "افق" دیگر مراحل چپچک، سرخکان... و سیاه سرفه را گذرانده و به مرحله یی رسیده است که دیگر نمی تواند هرگونه وایرس ها، بکتریاهای مضره و مکروبهای آزادی، دیموکراسی و شکننده های وحدت ملی و برهم زنده حس برادری و زرق کننده گان ایدلوژی های ضد انسانی به آن آسیب برساند. کار فرهنگی و روشنگرانه تجارت نیست، رسالت است. ساده هم نیست. هرگاه ساده می بود، طوریکه مردم به سایر

مشاغل دسته دسته روی آورده اند و ازان نان خورده اند و پول به دست آورده اند، تا حال که بیشتر از سه دهه می گذرد و افغانهای ما به استرالیا مقیم شده اند، بدون تردید ده ها روزنامه، هفته نامه، مجله و نشریه های آوازی، تصویری و خطی را درین سرزمین به وجود آورده می توانستند. جا دارد که از ماهنامه وزین (ارمان) و هفته نامه "افق" که سالیان متمادی را بدون وقفه و بدون بی ثباتی در استرالیا به سر برده است، مباحث کنیم.

دلیلی که میتواند ثبات و تداوم کار هفته نامه "افق" را روشن بسازد، نکته ایست که بار ها از زبان استاد ارجمند پروفیسور حبیب الرحمن هاله که شاگردان زیادی را به خانواده مطبوعات کشور ما تقدیم نموده اند، شنیده ام و آویزه گوش و هوشم شده است و آن شرایط زیر می باشد:

کسی میتواند به کار ژورنالیستیک دست بزند که استعداد داشته باشد.

کسی میتواند به کار ژورنالیستیک دست بزند که علاوه از دانش ژورنالیزم، وسعت نظر در علوم، هنر، صنایع، مهارتها، شغلها و جوانب مختلف زنده گی انسان و آنچه که او را احاطه کرده و با آن ارتباط دارد، داشته باشد. کسی می تواند به کار ژورنالیزم دست بزند که ترسو، محافظه کار و بی جرأت نباشد و کسی میتواند به کار ژورنالیستیک دست بزند که صاحب وجدان پاک و عاری از هرگونه گرایشهای مغرضانه و تبعیض پسندانه باشد.

من با تمام تلاشی که داشتم و دارم، خواسته ام خود را در چوکات شرایط متذکره عیار بسازم. اینکه تا چه حد موفق هستم یا نیستم، این داوری حق خواننده های عزیزاست و تقاضای احترامانه ام این است که هموطنان عزیزم با نظر داشت
این
بیت:

گه گه یاد کن به دشنام

سخن تلخ از تو شیرین است

تلخی ها، انسان را آزار میدهد، اما به یاد داشته باشیم که تلخی هم، لذت است. چون؛ تلخی چای، تلخی قهوه ... که تلخ نباشند، بی مزه و مُرچ که تُندی نداشته باشد، علف است.

همچنان مواردی نیز است؛ به عنوان نوازش و مهربانی که نوازش ها و مهربانی های بیجا در نفس خود به زهر سفید می ماند؛ با توجه به این نکته:

مهربانی های بیجا کمتر از آزار نیست

من حس پیام دهنده گان معظمی را که به مناسبت هشتمین سالگرد هفته نامه "افق" ارسال کرده اند، به خوبی احساس کرده ام. یکی از دلایل خوشبینی ها و نوازشهای شان را تداوم این نشریه می دانم که محتوای آن برخوردار از فراورده های علمی، ادبی، سیاسی، اجتماعی و به یک سخن داشته های روشنگرانه نویسنده گان گرامی ماست که بصورت ضمنی در جمع آوری مطالب و سایر کارهای فزیکتی و تخنیکتی آن من نیز سهم ادا کرده ام. یعنی هرگونه نوازشی که به هفته نامه شان روا داشته اند، به نویسنده گان و حمایه کننده آن راجع می شود. هرگاه درین نوازش ها

اندکی سهم داشته باشم، سهم خانم عزیزم طاهره ضیا و بالنوبه فرزندان عزیزم شبیر جان، شبیره جان و ودیعه جان را به هیچ صورت نادیده گرفته نمی توانم .

تمنا:

*پیش از آنکه ذهنم خسته و چشمانم به ضعف گراید، از هموطنانی که دانش، تجربه و اندوخته های علمی و فرهنگی شان که حتماً نسبت به من بیشتر است و خاصه آنهایی که در نشر و پخش روزنامه، هفته نامه و سایر وسیله های ارتباط جمعی مسلکی اند، از آنها خواهش میکنم، نگذارند مردم شان که همواره خویشتن شان را با فرهنگ و با تاریخ درخشان معرفی میکنند، در غربت سرای استرالیا خدای ناخواسته گنگ و مُنگ قرار داشته باشند. زیرا نشریه از هر جنسی که باشد، زبان و کلام همان جامعه است. و بیش از همه نهاد های اجتماعی کاری نکنند که هیچ نشریه نداشته باشند و یا اگر داشته باشند، با گذاشتن کلوخ در آب با چاپ چند ورق با املا و انشای غلط که نه تنها این کار سبب بینی بریده گی همان نهاد، بلکه سبب نا فهم جلوه دادن کمیونیتی ما در میان سایر کمیونیتی ها از جمله همزبانان ما می شود .

از دفتر زمانه فتد نامش از قلم

آن ملتی که مردم صاحب قلم نداشت

از هموطنان پشتون احترامانه میخواهم تا با ارسال نوشته های خویش در رنگینی هفته نامه شان بیفزایند. *تعدادی از مکتب خوانده ها با داشتن دیپلوم های لیسانس، ماستری و حتی دکتورا که میتوانند در محافل، مجالس و هر جای دیگر با زبان شیوا و صحبت های دلپذیر توام با استدلالهای منطقی صحبت کنند، گپ بزنند، انتقاد و پیشنهاد کنند ... اما با تاسف، اگر بخواهند همان گپ ها و صحبت های مفید شان را به روی کاغذ بنویسند، قادر نیستند و حتی چند سطر هم نوشته کرده نمی توانند. به این عزیزان احترامانه پیشنهاد میکنم؛ پیامها، پیشنهاد ها، نظریات و رهنمایی های شان را با هر گونه املا و انشا ولو با ده ها اشتباه دستوری، بیانی و هر چیز دیگر، به ما بفرستند. چنانچه تعدادی از عزیزان خواسته های شان را که دارای مشکلات املائی و انشایی بوده و به ما فرستاده اند، حتی المقدور کوشش نموده ایم با ویرایش و پیرایش دقیق شیره یا جوهر پیامها و نوشته های شان را به نشر برسانیم که الحمد لله ازین کارنتایج نیک گرفته ایم و مطالب ارزشمند را به خواننده ها تقدیم داشته ایم. به قول مردم ما؛ روان کردن مطالب از شما دیگرش به گردن ما !

*مکرراً به عرض می رسانم که هفته نامه "افق" آزاد است، سرافراز است، در قید و بند کدام حزب، گروه، قوم، زبان و آیدلوزی خاص نیست. هر خلقی، پرچمی، شعله بی، افغان ملتی...، احزاب اسلامی بانظر داشت اصل دموکراسی و آزادی بیان در چوکات اخلاق قلم و بیان مطالب شان را به ما ارسال کنند، ما در خدمت شان هستیم . در اخیر از جلالتمآب مالکوم ترنبول صدر اعظم استرالیا، نهاد های محترم فرهنگی و اجتماعی، نویسندگان عالیقدر از داخل استرالیا و سایر کشور ها که با الطاف زایدالوصف شان کار ما را ضمن پیامهای ارزشمند شان به دیده قدر نگریسته اند، صمیمانه ابراز تشکر نمایم.

با عرض حرمت

محمد ضیا، ضیا: مسنول ہفتہ نامہ "افق"